

دوره نام

سرآغاز: اول هر چیزی، شروع	نامه: در اینجا «کتاب»	*مونس: همدم، یار
*روان: روح، جان	*کارگشا: حل کننده مشکلات، آسان کننده کارها	هست گن: خالق، به وجود آورنده
*اساس: پایه، بنیاد	کوته: مخفف کوتاه	ز درت: از درگاه تو
*درازدستی: ستمگری، زورگویی	*نانموده: آشکار نشده، پنهان	نانوشته: نوشته نشده
*عنایت: بخشایش، لطف، توجه، احسان	قدم: پا، گام	ظلمت: تاریکی
الهی: خدایا، پروردگارا	دانایی: خردمندی، آگاهی	بینایی: بصیرت، بینش، آگاهی
دستگیر: کمک کن، مدد رسان	دستاویز: آنچه از آن کمک می گیرند، تمسک	*توفیق: سازگاری، موافقت
استوار: محکم، پابرجا	نگاه دار: مراقب و پشتیبان باش	پریشان: نگران، آشفته
*غوغا: آشوب و فریاد، مهممه	انگار: گویی، مثل اینکه	شبم: قطره ای شبیه دانه باران که شب روی برگ گل و گیاه می نشیند، ژاله
برخاست: بلند شد	ذره ذره: کم کم	غلطید: از پهلویی به پهلویی دیگر گشت، غلت زد
*ابد: جاودان، زمانی که آن را نهایت نباشد، زمان آینده بسیار دور، زمان بی پایان / ابدی: همیشگی، جاودانه	دل تنگ: اندوهگین، غمگین	*فارغ: آسوده، راحت
رها: آزاد، آسوده	رهسپار: راهسپار، راهی، عازم، روانه	*افق: کرانه آسمان
پیغمبر: پیغام بر، پیام آور	گلدسته: مناره	*زائر: دیدار کننده، زیارت کننده
حرم: گرداگرد کعبه و اماکن مقدس	*زنجره: نوعی حشره که از خود صدا تولید می کند، سیرسیرک	*کام: آرزو، میل، خواسته
*اندرز: پند، نصیحت	ایام: ج یوم، روزها	*طفولیت: کودکی، خردسالی
*متعبد: شکر گزار، عبادت کننده	شب خیز: شب زنده دار، آنکه در شب برای عبادت بیدار می شود	رحمة الله علیه: خداوند او را رحمت کند
*دیده: چشم	*مصحف: کتاب، کتاب آسمانی، قرآن کریم	خفته: خوابیده
دوگانه: منظور نماز صبح	*غفلت: بی خبری، ناآگاهی	*در پوستین خلق افتادن: کنایه از غیبت کردن

ای نام تو بهترین سرآغاز

مثنوی / ابتدای کتاب «لیلی و مجنون / نظامی گنجه‌ای

ای نام تو بهترین سرآغاز / بی نام تو، نامه کی کنم باز؟

معنی ای [خدایی که] نام تو بهترین مقدمه برای آغاز هر کاری [است]، بدون نام [و یاد تو، چگونه می‌توانم این] کتاب را شروع کنم؟

آرایه‌های ادبی تلمیح: اشاره به حدیث پیامبر: «هر کاری که با نام خدا آغاز نشود، ابتر (ناقص) است / تکرار: نام - تو / مراعات نظیر (تناسب): سرآغاز، نامه / واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «م» و «ن» / قافیه: «سرآغاز، باز»

قمری‌نمایی این بیت سه جمله دارد / بعد از نشانه ندای «ای» منادا، محذوف شده است / «نام تو»: نهاد و «بهترین سرآغاز»: مسند.

یادداشت.....

ای یاد تو مونس روانم / جز نام تو، نیست بر زبانم

معنی ای [خدایی که] یاد تو [همیشه مانند] همدم روح و جان من [است]؛ تنها تو را ستایش می‌کنم و نام دیگری جز نام تو بر زبانم نمی‌آورم.

آرایه‌های ادبی تکرار: تو / تشبیه: یاد خداوند به مونس و همدم تشبیه شده است / واج‌آرایی: تکرار صامت «ن» / قافیه: «روانم، زبانم»

قمری‌نمایی این بیت سه جمله دارد / بعد از نشانه ندای «ای» منادا، محذوف شده است / ترکیب‌های اضافی: «یاد تو - مونس روان

- روان من - نام تو - زبان من»

یادداشت.....

ای کارگشای هرچه هستند / نام تو، کلید هرچه بستند

معنی ای [خدایی که] حل‌کننده مشکلات همه موجودات هستی، نام تو [مانند] کلیدی [است] که همه درهای بسته (گرفتاری‌ها و مشکلات) را می‌گشاید.

آرایه‌های ادبی تکرار: هر چه / تشبیه: نام خدا به کلید تشبیه شده است. / قافیه: «هستند، بستند»

قرونانی این بیت سه جمله دارد / «ای»: حرف ندا و «کارگشا»: منادا.

یادداشت.....

ای هست کن اساس هستی / کوتاه ز درت، درازدستی

منی ای [خدایی که] آفریننده و به وجود آورنده جهان هستی، هستی. کسی توانایی این را ندارد که در برابر تو قدرت‌نمایی کند و در درگاه تو ستم کند و زور بگوید.

آرایه‌های ادبی واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «س» و «ت» / قافیه: «هستی، درازدستی»

قرونانی تعداد جملات این بیت به دلیل اختلافات نظر، بررسی نمی‌شود / درت: درگاه تو، «ت» ضمیر پیوسته و مضاف‌الیه است / فعل «هستی = می‌باشی» در مصراع اول و فعل «است» در مصراع دوم حذف شده است.

یادداشت.....

هم قصه نانموده، دانی / هم نامه نانوشته، خوانی

منی تو، همه قصه‌های آشکار نشده را می‌دانی و از همه کتاب‌های نوشته نشده، آگاه و باخبری.

آرایه‌های ادبی تکرار: هم / تلمیح: اشاره به آیه ۱۹ سورة النحل قرآن کریم: «خداوند هر آنچه آشکار می‌کنید و هر آنچه پنهان می‌کنید را می‌داند» / قافیه: «دانی، خوانی»

قرونانی بیت دو جمله دارد / «قصه نانموده - نامه نانوشته»: مفعول / نموده از مصدر «نمودن» است.

یادداشت.....

هم تو، به عنایت الهی / آنجا، قدم رسان که خواهی

منی [خداوند!، خودت، با لطف و توجه خداوندی [که داری]، گام‌های مرا به آن مقام و جایگاهی برسان که می‌پسندی.

آرایه‌های ادبی قافیه: «الهی، خواهی» / منظور از «قدم‌های من» در این بیت، «تمام من» است.

قمرزبانی این بیت دو جمله است. / رسان از مصدر «رساندن» / خواهی از مصدر «خواستن» / قدم من را، «م» مضاف‌الیه است / فعل «داری» در مصراع اول حذف شده است.

یادداشت

از ظلمتِ خود، رهایی‌ام ده / با نورِ خود آشنایی‌ام ده

معنی [خدایا]، مرا از تاریکی‌های درونم (گمراهی، جهل) نجات بده و مرا با نور و روشنایی خودت آشنا کن. (به من معرفت ببخش)

آرایه‌های ادبی تضاد: ظلمت و نور / «خود» در مصراع اول، انسان یا شاعر و در مصراع دوم، خداوند است / قافیه: «رهایی‌ام، آشنایی‌ام»

/ ردیف: «ده»

قمرزبانی بیت دو جمله دارد.

یادداشت

نثر مسجع / خواجه عبدالله انصاری

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم،

معنی خدایا، به ما جرئتی بده تا در راحت جان را فدا کنیم و جانی به ما بده که با نیروی آن، آخرت خود را بسازیم.

آرایه‌های ادبی کنایه: جان باختن کنایه از فدا کردن جان

قمرزبانی عبارت، پنج جمله دارد.

یادداشت

دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا، در چاه نیفتیم،

معنی خدایا به ما آگاهی، دانش و بصیرتی بده تا گمراه نشویم.

آرایه‌های ادبی منظور از «راه» در این عبارت، راه درست و راه راست است / منظور از «چاه» در این عبارت گمراهی و دام‌های دنیایی

است / تضاد: راه، چاه / کنایه: از راه نیفتادن و در چاه نیفتادن کنایه از گمراه نشدن

قرونبانی عبارت، چهار جمله دارد.

یادداشت.....

دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده تا، در دین استوار شویم،

معنی [خدایا]، ما را یاری کن زیرا کمک‌کننده و یاری‌گری [غیر از تو] نداریم، امکان آن را فراهم کن تا در راه دین، محکم و پایدار باشیم.

آرایه‌های ادبی کنایه: دستگیری کردن کنایه از کمک کردن

قرونبانی عبارت، چهار جمله دارد / «دست»، «دستاویز» و «توفیق» مفعول‌های این عبارت هستند.

یادداشت.....

نگاه دار تا، پریشان نشویم.

معنی مراقب ما باش تا پریشان و آشفته‌حال نشویم.

آرایه‌های ادبی کنایه: نگاه داشتن کنایه از مراقبت و محافظت کردن است

قرونبانی عبارت، دو جمله دارد.

فصل اول - زیبایی آفرینش

جهان، جمله فروغ روی حق دان حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

معنی همه جهان را نوری از روشنی روی خدا بدان که در آن (جهان) وجود خداوند، از شدت آشکار بودن، پنهان به نظر می‌رسد.

یادداشت.....

زنگ آفرینش

چهارپاره / قیصر امین پور

صبح یک روز نوبهاری بود / روزی از روزهای اوّل سال

بچه‌ها در کلاس جنگل سبز / جمع بودند دور هم، خوش حال

معنی صبح یکی از روزهای فصل بهار بود و سال تحصیلی جدید آغاز شده بود. بچه‌ها در کلاس جنگل سبز، شاد و خوشحال، دور هم جمع شده بودند.

آرایه‌های ادبی قافیه: «سال، خوش حال»

قرونبانی در جمله دوم فعل «بود» و در جمله چهارم فعل «بودند» حذف شده است.

یادداشت

بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند / باز هم در کلاس، غوغا بود

هر یکی برگ کوچکی در دست / باز انگار، زنگ انشا بود

معنی بچه‌ها مشغول صحبت بودند و دوباره در کلاس سروصدا و شلوغی برپا بود. هر کدام از بچه‌ها ورقه کوچکی در دست داشتند، انگار دوباره زنگ انشاء بود.

آرایه‌های ادبی کنایه: گرم گفت‌وگو بودن کنایه از مشغول صحبت بودن / قافیه: «غوغا، انشاء» / ردیف: «بود»

قرونبانی در جمله سوم، فعل «داشت» حذف شده است.

یادداشت

تا معلّم ز گرد راه رسید / گفت با چهره‌ای پر از خنده:

باز موضوع تازه‌ای داریم / «آرزوی شما در آینده»

معنی به محض اینکه معلّم آمد؛ با صورتی خندان گفت: دوباره موضوع انشای جدیدی داریم: «آرزوی شما در آینده چیست؟»

آرایه‌های ادبی کنایه: از گرد راه رسیدن کنایه از تازه وارد شدن / قافیه: «خنده، آیند»

قمرزبانی در جمله چهارم، فعل «چیست» حذف شده است.

یادداشت.....

شب‌نم از روی برگ گل، برخاست / گفت: می‌خواهم آفتاب شوم

ذره ذره به آسمان بروم / ابر باشم، دوباره آب شوم

معنی شب‌نم (قطره صبحگاهی) از روی برگ گل بلند شد و گفت: من می‌خواهم مانند آفتاب شوم (مثل آفتاب با ارزش باشم). کم

کم و قطره قطره به طرف آسمان حرکت کنم، مثل ابر شوم و بعد دوباره به باران تبدیل شوم.

آرایه‌های ادبی کنایه: آفتاب شدن شب‌نم کنایه از رشد و تعالی یافتن / مراعات‌النظیر: آسمان و ابر و آفتاب / تشخیص: برخاستن و

سخن گفتن شب‌نم / قافیه: «آفتاب، آب» / ردیف: «شوم»

یادداشت.....

دانه آرام بر زمین غلتید / رفت و انشای کوچکش را خواند

گفت: باغی بزرگ خواهم شد / تا ابد سبز سبز خواهم ماند

معنی دانه به آرامی روی زمین حرکت کرد و رفت و انشای کوتاه خودش را خواند و گفت: من [اروزی] باغ بزرگی می‌شوم و تا

همیشه سرزنده و شاداب می‌مانم.

آرایه‌های ادبی تشخیص: انشا خواندن دانه و سخن گفتن او / قافیه: «خواند، ماند»

قمرزبانی «باغی بزرگ»: مسند.

یادداشت.....

غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم / مثل لب‌خند، باز خواهم شد

با نسیم بهار و بلبل باغ / گرم راز و نیاز خواهم شد

منی غنچه هم گفت: اگرچه من ناراحت و غمگینم، اما دوباره مانند لبخند شکوفا خواهم شد (شکفته و تبدیل به گل می‌شوم) و با باد بهاری و بلبل باغ مشغول گفت‌وگو خواهم شد.

آرایه‌های ادبی تشبیه: غنچه به لبخند شبیه شده است / کنایه: دل تنگ بودن کنایه از غمگین و ناراحت بودن / تشخیص: سخن گفتن غنچه / مراعات‌النظیر: بهار و بلبل و باغ و غنچه / قافیه: «باز، نیاز»

یادداشت.....

جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم / فارغ از سنگِ بچه‌ها باشم

روی هر شاخه جیک‌جیک کنم / در دلِ آسمان، رها باشم

منی جوجه گنجشک گفت: من می‌خواهم از دست اذیت و آزار بچه‌ها آسوده و راحت باشم. روی شاخه درختان آواز بخوانم (جیک‌جیک کنم) و در وسط آسمان آزادانه و رها پرواز کنم.

آرایه‌های ادبی تشخیص: سخن گفتن جوجه گنجشک - ترکیب «دل آسمان» / قافیه: «بچه‌ها، رها» / ردیف: «باشم»

قلمرو زبانی «فارغ»: مسند.

یادداشت.....

جوجه کوچک پرستو گفت: / کاش با باد رهسپار شوم

تا افق‌های دور، کوچ کنم / باز پیغمبر بهار شوم

منی جوجه کوچک پرستو گفت: ای کاش من هم با باد همراه و روانه شوم [و بتوانم] به کرانه‌های (مرزهای) دوردست [آسمان] مهاجرت کنم و دوباره پیام‌آور فصل بهار شوم.

آرایه‌های ادبی تشخیص: جوجه پرستو گفت / قافیه: «رهسپار، بهار» / ردیف: «شوم»

قلمرو زبانی دو بیت، پنج جمله دارند.

یادداشت.....

جوجه‌های کبوتران گفتند: / کاش می‌شد کنار هم باشیم

توی گلدسته‌های یک گنبد / روز و شب، زائرِ حرم باشیم

معنی جوجه‌های کبوتران گفتند: ای کاش می‌توانستیم کنار هم جمع شویم. روز و شب داخل گلدسته‌های یک گنبد، همه‌وقت زیارت‌کنندهٔ حرم باشیم. (مشغول راز و نیاز باشیم)

آرایه‌های ادبی تشخیص: جوجه‌های کبوتران گفتند / تضاد: روز و شب / مراعات‌النظیر: گلدسته و گنبد و زائر و حرم / قافیه: «هم، حرم» / ردیف: «باشیم»

یادداشت

زنگ تفریح را که زنجره زد / باز هم در کلاس غوغا شد

هر یک از بچه‌ها به سویی رفت / و معلّم دوباره تنها شد

معنی: همین‌که زنجره (حشره‌ای کوچک) زنگ تفریح را به صدا درآورد، دوباره کلاس پر از سر و صدای بچه‌ها شد. هر کدام از بچه‌ها (دانش‌آموزان) به سمتی رفتند و معلّم دوباره تنها شد.

آرایه‌های ادبی تشخیص: زنجره زنگ تفریح را زد / قافیه: «غوغا، تنها» / ردیف: «شد»

یادداشت

با خودش زیر لب، چنین می‌گفت: / آرزوهایتان چه رنگین است!

کاش روزی به کام خود برسید، / بچه‌ها، آرزوی من این است!

معنی معلّم زیر لب با خودش می‌گفت: آرزوهای شما (بچه‌ها) چقدر رنگین‌تر از زیبا است! بچه‌ها! آرزوی من این است که ای کاش روزی به همهٔ آرزوهایتان برسید.

آرایه‌های ادبی قافیه: «رنگین، این» / ردیف: «است»

قلمروبنانی دو بیت، شش جمله دارند.

تاریخ ادبیات

نظامی گنجوی (۵۳۰-۶۱۴ ه.ق)

حکیم ابومحمد یوسف، شاعر نامدار ایرانی معروف به نظامی در شهر گنجه از شهرهای جمهوری آذربایجان به دنیا آمد. داستان‌پردازی در منظومه‌های او به اوج رسید. آثارش عبارت‌اند از: مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر، اسکندرنامه.

خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱-۳۶۹ ه.ق)

معروف به پیرهرات، در قرن پنجم در هرات به دنیا آمد. به عربی و فارسی شعر می‌سرود. نثر خواجه عبدالله آهنگین «مسجع» است. از آثار او می‌توان به مناجات‌نامه و الهی‌نامه اشاره کرد.

شیخ محمود شبستری

از عارفان مشهور قرن هشتم است. معروف‌ترین اثر شعری او مثنوی «گلشن راز» است.

قیصر امین پور (معاصر)

استاد دانشگاه و شاعر معاصر، وی از شاعران موفق پس از انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. در رشته زبان و ادبیات فارسی به درجه دکترا نائل شد. از آثار او می‌توان «در کوچه آفتاب»، «تنفس صبح»، «مثل چشمه مثل رود»، «به قول پرستو» و «آینه‌های ناگهان» را نام برد.

سعدی شیرازی (۶۹۰-۶۰۶ ه.ق)

شاعر قرن هفتم است. بوستان (به شعر)، گلستان (نثر آمیخته به شعر) و دیوان اشعار از آثار اوست. مجموعه این آثار «کلیات سعدی» نامیده می‌شود.

نثر گلستان، مسجع است. یعنی نثری که گوشه چشمی نیز به شعر دارد. گلستان هشت باب و بوستان ده باب دارد.